

بقلم : آقای مخبر همایون

نکات تاریخی

داستان مسیو نوس و ابوالمله

مجلس شورای ملی برای شروع باصلاحات خائنی را ابوالمله نام نهاد و خدمتگزار صدیقی را بخیان متهم نمود .

مظفرالدینشاه وجوهی را که از روسیه استقراض شده باخود باروپا برد با این مرام که آنچه بود مصرف شود و دیناری باقی نماند . سعد الدوله (میرزا جوادخان) سفیر ایران در بلژیک خرید جهازی را بشاه پیشنهاد کرد این کشتی بسفارش یکی از متمولین برای گردش و تفریح ساخته شده بود (بوکت) ، وقت تحویل گرفتن معلوم شد کشتی حرکت عرضی دارد (TANGAGE) و ناقص است کسیکه آنرا سفارش داده بود از تحویل گرفتن مضایقه کرده معامله فسخ شد .

سازنده کشتی در جراید خوانده بود که شاه ایران آمده و با دست و دل باز خرید میکند در همان ایام شاه ۲۰۰ صندوق جواهر بدل خریدده بود و حمل بتهران شد کسیکه خریدار جواهر بدل است کشتی ناقص را هم خواهد پسندید . سازنده کشتی دستش بشاه نمیرسد سفیر را ملاقات کرد . در آن تاریخ جعبه ضبط صوت هنوز اختراع نشده بود و معلوم نشد بین سازنده کشتی و سفیر ایران چه مذاکرات رد و بدل شد البته این مذاکرات بمذاق هر دو مطبوع بوده و موافقت دست داد . در نتیجه شاه کشتی ناقص را خریداری کرد و آنرا در خلیج فارس تحویل دادند . ۲۰۰ هزار فرانک از قیمت آن باقی مانده بود این وجه به بروکسل بنام سعد الدوله فرستاده شد که بسازنده کشتی برساند ، سعدالدوله عجله نداشت آنرا باسم خود دربانک بامانت گذاشت و پس از مطالبات سازنده کشتی و تأکید وزارت خارجه ایران بسعدالدوله در بروکسل معلوم شد بانک ورشکست شده و وجه لاوصول است . این مطالبات و

تأکیدات دو سال ادامه داشت تا آنکه عین الدوله بریاست وزراء برقرار شد و صندوقی تأسیس کرد و مسیو نوس بلژیکی را که برای اقتصادیات مستخدم شده بود بریاست صندوق برقرار کرد. این صندوق خزانه بود حکام مالیاتها را وصول و بصندوق تحویل میدادند و مخارج و مصارف مملکت از صندوق تأدیه میشد. مطالبه ۲۰۰ هزار فرانک ادامه داشت، عین الدوله به مسیو نوس دستور داد در بروکسل در زمینه تحویل این وجه بتوسط سعد الدوله ببانک و اشکال وصول آن از بانک ورشکسته تحقیقاتی کرده راه حلی بدست آورد.

نتیجه تحقیقات مسیو نوس این شد که بانک ورشکست بوده و سعد الدوله با اطلاع از این ورشکستگی پول را تحویل داده است و مسئول این خسارت است. سعد الدوله حرف حسابی که داشت این بود که کنتراست استخدام مسیو نوس را در بروکسل او امضاء کرده بود و مسیو نوس حقا میبایستی در ازاء این مساعدت حقایق را مکتوم کرده مسئولیتی متوجه سعد الدوله ننماید، در مقابل شکایت مسیو نوس عین الدوله روزی متغیر شده امر کرد سعد الدوله را پس گردنی زدند و به یزد تبعید شد.

عین الدوله منفصل شد و مشروطیت سرگرفت و انتخابات شروع شد ملت پیر کینه سعد الدوله را بهمین نظر که طرف بی مهری عین الدوله واقع بوده بوکالت انتخاب کرد و او را ابوالمله خواند.

ابوالمله از یزد مراجعت کرده وارد مجلس شد قانون اساسی در مجلس تصویب شده و بصره شاه رسیده بود.

اولین نطق سعد الدوله این بود که چون این قانون در غیبت او تصویب شده باید تجدید نظر شود مخبر الملک ایراد کرد که تصویب قانونیکه با اکثریت مجلس گذشته تجدید نظر هم باید با اکثریت مجلس پیشنهاد شود و رأی یک و کیل این تجدید نظر را مجاز نمیدارد.

سعدالدوله وسیله در نظر گرفت تا بعدها آنچه بگوید پذیرفته شود. پنج نفر از طلاب مدرسه سهسالار را اجیر کرد دستور بآنان داد که آنچه سعدالدوله میگوید بگویند احسنت و آنچه مخالفین او میگویند بگویند (ما نمی خواهیم) چون فصل تابستان بود و تماشاچیان در باغ از پنجره مذاکرات و کلاء را میشنیدند اتفاقاً نویسنده این سطور روزی در باغ حضور داشتم سلطان محمود میرزا سردی فاضل و ادیب و شاعر قضیه را برای من نقل کرد باهم متفق شدیم طلاب مزدور را از مجلس برانیم در این بین صدای سعدالدوله بگوش طلاب رسید فریاد بر آوردند (احسنت) صدای مخالف سعدالدوله که بر خاست فریاد زدند (ما نمی خواهیم) طلبه را دستور دادیم از آن طلاب سؤال کنند موضوع نطق سعدالدوله چه بوده و وکیل مخالف چه جواب گفته طلاب توضیح دادند که ما از موضوع بی اطلاع هستیم دستور ما اینست که آنچه سعدالدوله میگوید بگوئیم احسنت و آنچه مخالفین بگویند ما بگوئیم نمیخواهیم پس از این توضیح دستور دادیم عده از طلاب و تماشاچیان طلاب مزدور را از مجلس خارج کنند.

سعدالدوله مایوس شد از اینکه بتواند وسایل ابوالمله بودن را انجام نماید رفت و با توطئه‌های محمد علی میرزا شریک شد ولی قبل از آنکه این اقدام انتشار یابد سعدالدوله انتقام از مسیو نوس را در نظر گرفت، در مجلس خیانت‌هایی بمسیو نوس نسبت داده انفصال او را پیشنهاد نمود، یک عده صراف ترك که قبوض مستمریها را خریده بودند و پرداخت آنها از صندوق تأخیر شده بود باینجهت که حکام مالیاتها را وصول نکرده بودند یا چنانچه وصول کرده بودند بصندوق نرسیده بود و صندوق تهی شده و مسیو نوس از عهده پرداخت مخارج بر نمیآید آن صرافها هم با ابوالمله هم آواز شدند و اکثریت و کلام هنوز سعدالدوله را ابوالمله میشناختند.

عزل مسیو نوس در مجلس بتصویب رسید مسیو نوس اصول اداره داری را در

ایران بما آموخت نویسنده این مقاله که خود تشکیلات وزارت دارائی را انجام دادم و ثبت و ضبط تمام وزارتخانه ها را سر و صورت دادم در نتیجه دو سال همکاری با مسیو نوس بود .

یکی از تهمتهائیکه باعث انفصال مسیو نوس بود این بود که بحساب مسیو نوس باید رسیدگی شود و معلوم شود چه مبالغی از عایدات مملکت بِنفع خود برداشت کرده است .

ناصر الملک وزیر دارائی تحت فشار عده از و کلا رسیدگی باین حساب را لازم دانست سه نفر از مستوفیان مامور رسیدگی باین حساب شدند چون این حساب بطرز هندسی در دفاتر ثبت شده بود و مستوفیان از فهم آن عاجز بودند راهنمایی این حسابداران ببنده محول شد و معلوم شد مسیو نوس برداشتی نکرده و آنچه خرج کرده بموجب اسنادی بود که بصفحه شاه یا صدر اعظم رسیده بود .

این قصه را هم نقل میکنیم - سید بحرینی اسمش البته زیاد شنیده شده مظفر الدینشاه از رعد و برق خوف داشت ، و میترسید آسیبی باو برسد سید بحرینی عبائی داشت و آن عبا را شاه بر سر میکشید ، و از هر آسیب مصون بود البته این معجزه اقتضا داشت که شاه خانه برای این سید مقدس خریداری کند چهار هزار تومان از صندوق برای این خانه بسید تحویل شده بود .

روزی عده ای بشاه عرض کردند که خانه که خریداری شده برای این سید عالیقدر شایسته نیست و اقتضادارد خانه بزرگتری برای او خریداری شود شاه امر میکند که ده هزار تومان قیمت يك خانه بسید تحویل شود ، این امر بمسیو نوس ابلاغ شد ، از وجوه استقراضی روسیه مختصری باقی مانده بود و در مقابل این مختصر مبالغی از مخارج و مصارف مصون مانده بود مسیو نوس وقتی این امر باوا ابلاغ داده شد باور نمیکرد که باوجود استقراضی خانه دومی بمبلغ گزافتری بکسی که در مملکت

خدمتی انجام نمیدهد داده شود .

شاه هنوز نمیتواند تصور کند که ده هزار تومان وجه چه مبلغ است دستور داد ده سینی حاضر کردند در هر سینی ده کیسه صد تومانی سکه نقره گذاشتند مطابق معمول سینی پوش قلمکار روی سینی ها انداخته و فراشها بر سر گرفته در قصر سلطنتی حضور شاه بر زمین گذاشتند شاه تعجب کرده که این چه مبلغ است وقتی بعرض رسانیدند که این ده هزار تومان است متعجب شده فرمود این مبلغ خیلی زیاد است محتوی سه سینی را بسید بدهند و هفت سینی دیگر را برای مخارج بصدوقخانه تحویل دهند .

آنروز که مسیو نوس این خدمت را میکرد معلوم نیست ابوالمله اوقات خود را بچه خدمت مصروف میداشت .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چهار نعمت بزرگ

چهار چیز مر آزاده را ز غم بخرد :

تن درست و خوی خوب و نام نیک و خرد

هر آنکه ایزدش این هر چهار روزی کرد

سزد که شاد زید جاودان و غم نخورد

رودکی سمرقندی